

به نام خدای مهربان



# ماجراجویان کهکشان

۴

## مهدکودک‌های نپتون

رمان نوجوان - علمی تخیلی



تومی دونبوند • امیرحسین میرزاییان

## مهد کودک‌های نپتون

تومی دونبوند

ترجمه‌ی امیرحسین میرزاییان

مدیر هنری و اجرای جلد: حسین نیلچیان

ویراستار: سیما طاهری

زیر نظر شورای بررسی

صفحه‌آرایی: کارگاه گرافیک قاصدک (سید مهدی مظلوم)

لیتوگرافی: گلپا • کد: ۹۵/۶۹۰

چاپ سوم: ۱۳۹۹ • تیراژ: ۱۵۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۷۷۹-۲

شابک دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۷۸۵-۳

کلیه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای  
موسسه‌ی نشر و تحقیقات ذکر محفوظ است.

چاپ سوم



- با ماجراجویان کهکشان آشنا شوید..... ۴
- جلسه‌ی تمرین کیهان..... ۶
- فصل اول: مهمانی در نپتون!..... ۱۰
- فصل دوم: آموزش!..... ۱۶
- فصل سوم: حمله‌ی هکر..... ۲۷
- فصل چهارم: کودکی دوباره..... ۳۳
- خودآزمایی..... ۴۶
- چگونه از خواندن این کتاب بیشتر لذت ببریم؟..... ۴۷
- درباره‌ی نویسنده..... ۴۸
- پاسخ خودآزمایی..... ۴۸

سرشناسه: دونبوند، تامی Donbavand, Tommy

عنوان و نام پدیدآور: مهد کودک‌های نپتون / نویسنده تومی دونبوند؛ مترجم امیرحسین میرزاییان.

مشخصات نشر: تهران: ذکر، کتاب‌های قاصدک.

مشخصات ظاهری: ۴۸ ص: مصور.

فروست: ماجراجویان کهکشان.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۷۷۹-۲ . دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۷۸۵-۳

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Nursery on neptune.

موضوع: داستان‌های کودکان (انگلیسی) -- قرن ۲۰م.

شناسه افزوده: میرزاییان، امیرحسین، ۱۳۶۴ - مترجم

رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ PZ۷/د۸۷م۹

رده بندی دیویی: ۸۲۳/۹۱۴ [ج]

شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۷۱۵۱۱



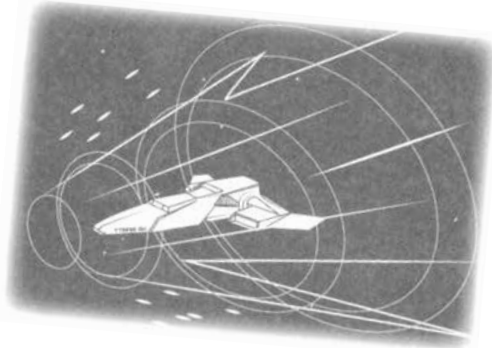
Paper from well managed forests  
and controlled sources

کاغذ این کتاب از جنگل‌ها و منابع  
کاملاً مدیریت شده تهیه شده است.

## تحت تعقیب



جیزر



سفینه‌ی اچ اس اینفینیتی

**نام:** ولت

**سمت:** دستیار

**سن:** خیلی خیلی پیر!

**اهل سیاره:** زهره

**کار مورد علاقه:** از آگروز

روی شانهاش بخار بیرون بزند و

اعلام کند: «پرش انجام شد!»

وَلت



**نام:** گاس باستر

**سمت:** رئیس کیهان

**سن:** ۱۵

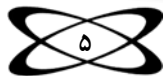
**اهل سیاره:** زمین

**کار مورد علاقه:** ناگهان روی

صفحه‌ی مانیتور ظاهر شود و

فریاد بزند: «فایربال، کجایی؟»

گاس



۵

## با ماجراجویان کهکشان آشنا شوید

**نام:** دن فایربال

**سمت:** فرمانده

**سن:** ۱۲

**اهل سیاره:** زمین

**کار مورد علاقه:** پشت صندلی

فرماندهی پنهان شود و با ترس

بپرسد: «هنوز نرسیدیم؟»

دَن



**نام:** استرا مون

**سمت:** افسر ارشد

**سن:** ۱۱

**اهل سیاره:** ماه

**کار مورد علاقه:** در مقابل

جیزر بایستد، یک گارد کاراته‌ای

بگیرد و بگوید: «بیا جلو!»

اَسْترا




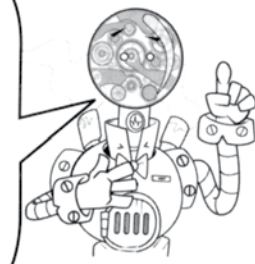
۴



## جلسه‌ی تمرین کیهان

### تاریخچه‌ی منظومه‌ی شمسی

درود بر تازه‌واردها!  
اسم من ولت است و معلم سایبری  
امروز شما هستم. اگر می‌خواهید شما  
هم یک مأمور کیهانی  باشید،  
باید تاریخچه‌ی منظومه‌ی شمسی را  
بدانید، پس باید این بخش را بخوانید.



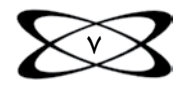
ولت

در آن دوران مشکلات زیادی وجود داشت. بزرگ‌ترها زمین را  
آلوده کرده بودند و بدتر از  
همه این که همین کار  
را با هشت سیاره‌ی  
دیگر منظومه‌ی  
شمسی هم کردند.  
حقیقت این است  
که بزرگ‌ترها  
تا مدت‌ها اصلاً  
نمی‌دانستند پلوتن  
واقعاً یک سیاره است!



تا این که در سال ۲۲۸۱، بچه‌ها کنترل منظومه‌ی شمسی را به  
دست گرفتند.

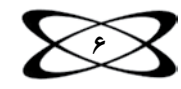
حالا دیگر بزرگ‌ترها در هجده  
سالگی بازنشسته می‌شدند  
و بچه‌ها آن‌ها را به خانگی  
سالمندانی که در ایستگاه‌های  
فضایی ساخته شده بود  
می‌فرستادند. بچه‌ها فقط سه سال  
در مدرسه می‌ماندند و اکثرشان تا  
هشت سالگی، دیگر صاحب شغل  
شده بودند.



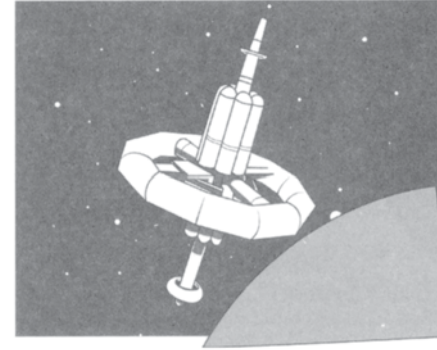
مدت‌ها پیش، بزرگ‌ترها کنترل همه  
چیز را به دست داشتند. تمام شغل‌ها  
مال آن‌ها بود، دولت‌ها را آن‌ها اداره  
می‌کردند و تازه کنترل تلویزیون هم  
همیشه دستشان بود.



بچه‌ها ناچار بودند تا هجده سالگی در  
مدرسه بمانند. آن‌ها مجبور بودند هر  
کاری که پدر و مادرشان می‌گفتند  
انجام دهند. بزرگ‌ترها پول کمی هم  
در اختیار بچه‌ها می‌گذاشتند که به  
آن «پول توجیبی» می‌گفتند.



بدین ترتیب منظومه‌ی شمسی به سرعت به جایی شادتر، امن‌تر و تمیزتر برای زندگی تبدیل شد.



اما همه‌ی بزرگ‌ترها بازنشستگی را در هجده سالگی دوست نداشتند. عده‌ای شورش کردند و از خانه‌ی سالمندان گریختند. آن‌ها شروع کردن به ایجاد دردسر و انجام کارهای خلاف.

برای همین بود که سازمان **کیهان** به وجود آمد:

**کیهان**؟ مخفف این کلمات است:

کمپانی

یافتن

همه

اشتباهات

فابخشودنی

یکی از بدترین این خلافکاران، مردی به نام جیزر بود. هدف **کیهان** این بود که جلوی کارهای خلافش را بگیرد.

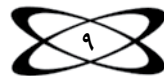


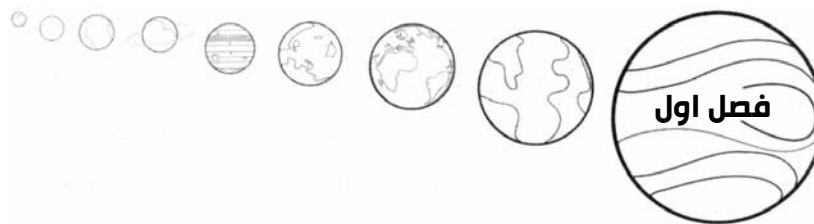
اعضای **کیهان** به همه جای منظومه‌ی شمسی سر می‌زدند تا معماهای پیچیده را حل و بزرگسالان خلافکار را دستگیر کنند. سرنشینان سفینه‌های پرشی **کیهان** می‌توانستند از میان تونل‌های مغناطیسی نامرئی کهکشانی به نام منطقه‌ی پرش بگذرند و به دنبال ماجراهای تازه بروند، بنابراین به آن‌ها ماجراجویان کهکشانی می‌گفتند.



منم در کنار دن فایربال و استرا مون مشهور، عضو تیم ماجراجویان کهکشانی بودم.

حالا اگر ورق بزنید، می‌توانید ماجرای را بخوانید که روز مرخصی مان درگیرش شدیم...





در آن طرف اتاق، ولت درحالی که از انگوزها دوقلوی روی  
شانه‌هایش بخار بیرون می‌زد، به سمت یک پایانه‌ی کامپیوتری  
رفت و گفت: «همه‌ی مختصات وارد شده‌اند، دوشیزه استرا.»

استرا لبخندزنان گفت: «پس آماده‌ی پرش باشید!»

## مهمانی در نیتون!

**گزارش رسمی وقایع سفرهای**

**سفینه‌ی فضایچه‌ی اس اینفینیتی**

**مأموریت چهارم:**

**مهدکودک‌های نیتون**

**گزارش از این قرار است:**



او دستش را روی  
دکمه‌ی زرد کوبید و  
سفینه از پهلو وارد یکی  
از تونل‌های مغناطیسی  
منطقه‌ی پرش شد که ماه  
و سیاره‌های منظومه‌ی  
شمسی را به هم وصل  
می‌کرد. در عرض چند  
ثانیه سفینه با سرعتی  
برق‌آسا در فضا پیش  
می‌رفت.

استرا فریاد زد: «حالت

خوب است، دن؟»

دن فایربال از روی صندلی فرماندهی‌اش پاسخ داد: «از این بهتر  
نمی‌شود!» او به تصویر سه بعدی‌ای، که بالای مکعب درخشانی  
که روی پایش گذاشته بود، خیره شد.

افسر ارشد، استرا مون، پشت میزش در کابین فرماندهی سفینه‌ی  
اچ اس اینفینیتی نشست و دستش را بالای دکمه‌ی زرد نگه  
داشت.

او از ولت، روبات قدیمی برنجی، پرسید: «مختصات پرش را به  
کامپیوتر وارد کرده‌ای؟»

